

بررسی باستان‌شناسی نقش کردیان شهرستان جهرم، استان فارس

مجید منصوری* و کامال لطفی‌نسب**

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تهران
** دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد مرودشت

چکیده

کردیان یکی از بخش‌های چهارگانه شهرستان جهرم است که در شرق و جنوب شرقی این شهرستان قرار دارد. بررسی باستان‌شناسی این بخش در تیرماه سال ۱۳۹۳ انجام شد که منجر به شناسایی ۵۷ اثر از دوره‌های مختلف گردید. آثار و محوطه‌های شناسایی شده شامل دو غار، نه برج دیده‌بانی، نه قلعه، یک چهارطاقی، پنج کاروانسرا، هفت تپه/محوطه، هفت بند و پل، پنج آسیاب، پنج گورستان، چهار آب‌انبار، دو امامزاده و یک راه باستانی بود. از دوره پیش از تاریخ هیچ تپه/محوطه‌ای شناسایی نشد. اولین استقرارهای تقریباً گسترده در منطقه، در دوره ساسانی شکل گرفته که به نظر می‌رسد دلیل این امر کنترل منابع آب از طریق ایجاد بند و بست بر روی رودخانه‌های فصلی، زیر کشت بردن زمین‌های مرغوب و همچنین تجارت دریایی از طریق خلیج فارس بوده است. از دوره اسلامی نیز استقرارهای پراکنده‌ای شناسایی شد که احتمالاً ساکنین آن‌ها از قنات‌های مختلفی که در منطقه وجود داشته برای کشاورزی و باغداری استفاده می‌کرده‌اند. در دوره صفوی و با رونق گرفتن تجارت از طریق بنادر جنوبی، مسیری که به سمت جنوب ادامه داشته و از بخش کردیان عبور می‌کرده، از پویایی زیادی برخوردار شده که وجود کاروانسراهای متعدد و توصیف جهانگردان خارجی بیانگر این امر است. به نظر می‌رسد دسترسی به منابع آب، زمین حاصلخیز و قراگیری در مسیر کاروانی - تجاری که به بندر عباس ختم می‌شد، در پراکنش محوطه‌ها و آثار بخش کردیان در دوره‌های مختلف نقش بسزایی داشته است.

واژگان کلیدی: بررسی، جهرم، کردیان، فارس، باستان‌شناسی.

درآمد

باستان‌شناسی فارس، به ویژه در دوره تاریخی و اسلامی، است را مورد بررسی قرار دهند. فصل اول این بررسی محدود به بخش کردیان گردید که درگاه ورودی به شهر جهرم بوده است (لطفی‌نسب، ۱۳۹۴). دلیل انتخاب این بخش قرارگیری آن در مسیر راه باستانی فسا - جهرم و شیراز - جهرم بوده که از دیرباز محل تردد کاروان‌های تجاری به سمت جنوب بوده است. تا کنون بررسی که به صورت جامع تمامی آثار این بخش را معرفی کند، انجام نشده و بیش‌ترین اطلاعات، مربوط به

بررسی‌های باستان‌شناسی انجام شده در جنوب و جنوب شرق فارس بسیار پراکنده و محدود به بازدیدهای چند روزه باستان‌شناسان غربی و بررسی‌های کوتاه مدت باستان‌شناسان ایرانی در سال‌های اخیر بوده است. اطلاعات موجود از این مناطق بسیار اندک بوده و برای نتیجه‌گیری و تحلیل‌های صحیح باستان‌شناختی بسیار ناقص است؛ به همین خاطر نگارندگان تلاش کردند شهرستان جهرم که از مناطق کلیدی در مطالعات

(کرمی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۷).

بخش کردیان که حوضه مورد پژوهش است، در شرق و جنوب شرقی شهرستان جهرم، بین طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۳۷ دقیقه و عرض ۲۸ درجه و ۳۹ دقیقه واقع شده است. این بخش از شمال به بخش خفر، از شرق به شهرستان فسا، از غرب به رشته‌کوه‌های زاگرس که امتداد آن به فیروزآباد می‌رسد، منتهی می‌شود. حداقل ارتفاع از سطح دریا ۱۰۶۰ متر بوده و مساحت تقریبی بخش حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع است. بارش سالانه در این بخش ۲۳۰ میلی‌متر بوده و عمده‌ترین محصولات کشاورزی آن مرکبات، خرما، گندم، جو و صیفی‌جات است. در این بخش علاوه بر زندگی یکجانشینی، زندگی کوچ‌نشینی نیز رواج دارد.^۱ مرکز بخش کردیان شهر قطب‌آباد بوده و دارای دو دهستان به نام‌های «علویه» و «قطب‌آباد» است (گزارش جامع بخش‌داری کردیان، ۱۳۹۱). از این تعداد، هشت روستا در دهستان قطب‌آباد و هشت روستا در دهستان علویه قرار دارند. بخش کردیان دارای آب و هوای گرم و خشک است. آب زراعی منطقه اعم از سطحی و عمقی شور است و فقط گیاهان مقاوم به شوری در این بخش کشت می‌شوند (کرمی، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۴).

پیشینه پژوهش‌های انجام شده در شهرستان جهرم

با وجود اهمیت باستان‌شناختی آن، جهرم چه قبل و چه بعد از انقلاب، هیچ‌گاه آنچنان که شایسته بود مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفت. تا کنون هیچ بررسی فشرده باستان‌شناختی که کل منطقه را پوشش دهد در این شهرستان انجام نشده است. اولین بررسی کلی در جهرم توسط سر اورل استاین در سال ۱۹۳۴ انجام شد که این بررسی بسیار کوتاه بوده و نامبرده فقط از محوطه‌هایی که در مسیر خود به سمت فسا قرار داشت، بازدید کرد (Stein, 1936: 133-137). پس از سفر

شناسایی و ثبت چند اثر شاخص بود؛ بنابراین هدف اصلی این بررسی، شناسایی و ثبت تمامی آثار موجود در منطقه از دوره پیش‌ازتاریخ تا دوره پهلوی بود. هر چند تحلیل دقیق و جامع از آثار و محوطه‌های این منطقه نیازمند بررسی کلی شهرستان است ولی با این حال در این پژوهش سعی بر آن شده تا توصیف و معرفی دقیقی از آثار شناسایی شده بخش کردیان ارائه شده و تحلیلی مقدماتی صورت گیرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

موقعیت جغرافیایی و آب و هوای شهرستان جهرم و بخش کردیان

شهرستان جهرم در نیمه جنوبی استان فارس قرار دارد. این شهرستان ۵۴۳۶ کیلومتر مربع وسعت داشته و از سمت شمال به شهرستان‌های سروستان و شیراز، از شمال غرب به شهرستان فیروزآباد، از جنوب شرق به شهرستان قیر و کارزین، از شرق به فسا و از جنوب به شهرستان لار محدود می‌گردد (نقشه ۱). این شهرستان کاملاً کوهستانی و مرتفع است؛ حدود یک پنجم از وسعت شهرستان جهرم دشت و چهار پنجم بقیه ارتفاعات است. ارتفاع متوسط مرکز این شهرستان حدود ۱۰۵۰ متر و بلندترین نقطه آن قله کوه سفیدار بین بخش خفر و سیمکان حدود ۳۱۷۰ متر و پست‌ترین نقطه آن حدود ۸۵۰ متر در بخش سیمکان، از سطح دریا ارتفاع دارد (کرمی، ۱۳۸۱: ۷). شهرستان جهرم شامل چهار بخش مرکزی، خفر، سیمکان و کردیان است. جهرم از مناطق گرمسیری فارس به حساب می‌آید و انواع گیاهان و درختان گرمسیری را می‌توان در آن مشاهده کرد. بخش غربی آن مانند سیمکان دارای آب و هوای گرم و مرطوب است. وجود ارتفاعات و رودخانه سیمکان، عبور رودخانه قره‌آغاج از این بخش و وجود چشمه‌سارهای متعدد در افزایش پوشش گیاهی منطقه سهم بسزایی داشته، لذا درجه خشکی این منطقه از بخش شرقی شهرستان کم‌تر است. بخش شمالی شهرستان جهرم مانند خفر دارای آب و هوای بسیار معتدل بوده و انواع میوه‌های سردسیری و گرمسیری در آنجا به عمل می‌آید. دوره گرما در این شهرستان نسبتاً طولانی است و نزدیک شش ماه را در بر می‌گیرد. در چهار ماه از سال دما به بالای ۴۰ درجه می‌رسد

۱- دو طایفه ایل خمسه به نام‌های باصری و عرب به ترتیب از بخش کردیان به عنوان قشلاق و بیلاق خود استفاده می‌کنند. قشلاق تیره‌ای از طایفه باصری به نام «عبدولی» و تا حدودی «کلمه‌ای» بخش کردیان بوده که زمستان را در اینجا سپری می‌کنند؛ بیلاق آن‌ها از مردوشت تا اقلید گسترده است. همچنین تیره‌ای از طایفه عرب به نام «عبدیوسفی» که قشلاقتان در شهرستان‌های قیر، کارزین و خنج است، در بهار به بخش کردیان کوچ کرده و از این بخش به عنوان بیلاق استفاده می‌کنند.

آثار و محوطه‌های شناسایی شده در بررسی

در بررسی بخش کردیان که حدود یک ماه به طول انجامید، ۵۷ اثر از دوره‌های مختلف شناسایی شد (نقشه ۲، نمودار ۱) که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را در ۱۱ مجموعه متفاوت قرار داد که عبارتند از:

۱- غار

در طول بررسی بخش کردیان فقط دو غار - محوطه شناسایی شد که هر دو آن‌ها در منطقه گلدامچه قرار داشتند. از غار گلدامچه ۱ فقط دو قطعه تیغه کوچک سنگی بدست آمد که کمکی به تاریخ‌گذاری محوطه نکرد. از غار گلدامچه ۲ هیچ‌گونه داده شاخصی بدست نیامد ولی تعداد زیادی نقاشی شناسایی شد که با رنگ قرمز کشیده شده‌اند. نقاشی‌ها بیش‌تر از نوع هندسی و به شکل مربع، دایره و نقطه‌اند. در بعضی موارد در داخل مربع‌ها دو خط عمود بر هم وجود دارد که آن‌ها را به چهار قسمت تقسیم کرده و نقطه‌هایی در چهار بخش آن قرار داده شده است (طرح ۱). علاوه بر آن چندین نقش وجود دارد که به شکل حیوانات طراحی شده‌اند؛ یکی از نقش‌ها به شکل یک سوار است. در بعضی جاها فقط چندین نقطه را به صورت آزاد در کنار هم کشیده‌اند. مشابه این نقش‌ها از غار تنگ تیهویی در بخش خفر و پناهگاه صخره‌ای تادوان در بخش سیمکان گزارش شده است (فاضل، ۱۳۸۹؛ Fazel & Alibaigi, 2012). نزدیک‌ترین منبع آب، چشمه‌ای است که در ۵۰ متری شمال غار شماره ۲ قرار دارد.

۲- برج‌های دیده‌بانی

در طول بررسی، نه برج دیده‌بانی شناسایی شد که همه آن‌ها در مسیر راه باستانی فسا به جهرم قرار داشتند. با توجه به اینکه جهرم در مسیر کاروان‌های تجاری عازم جنوب قرار داشته، لذا امنیت مسیرهای آن از اهمیت زیادی در دوره‌های مختلف برخوردار بوده است. یکی از مسیرهایی که از فسا به جهرم ختم می‌شده از تنگی که امروزه به تنگ پله‌ای معروف است، عبور می‌کرده است. بیش از ده کیلومتر از این مسیر، از بین کوه‌ها و دره‌ها می‌گذرد که حفاظت آن بسیار مهم بوده است. برج‌های

استین هیچ‌گونه بررسی در منطقه انجام نشد تا اینکه در سال ۱۹۶۱ لویی وندبرگ در سفر خود به این شهرستان به معرفی چهار طاقی قطب‌آباد پرداخت (Vanden Berghe, 1961). در سال ۱۹۶۹ ویلیام سامنر در یک بررسی چند ساعته تعدادی ابزار سنگی از یک محوطه جمع‌آوری کرد که بعداً توسط پیپرنو مورد مطالعه قرار گرفت (Piperno, 1972). با وجود اهمیت شهرستان جهرم در باستان‌شناسی استان فارس، تا کنون بررسی فراگیر و نظام‌مندی در آن صورت نگرفته است؛ بررسی‌های سال‌های اخیر نیز بسیار پراکنده و شامل شناسایی و ثبت چند اثر شاخص و مطالعه محوطه‌های خاص بوده است (هورشید، ۱۳۸۸؛ Fazel & Alibaigi, 2012). اولین بررسی نظام‌مند در جهرم در سال ۱۳۹۳ در بخش کردیان این شهرستان (لطفی‌نسب، ۱۳۹۴) انجام شد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

روش بررسی

در بررسی بخش کردیان تلاش شد تا مفیدترین و قابل اطمینان‌ترین روش بررسی، یعنی بررسی فشرده پیمایشی به کار گرفته شود. پیش از پرداختن به بررسی تمامی عکس‌های هوایی قدیمی منطقه تهیه شده و نقاط دارای پتانسیل آثار و محوطه بر روی آن‌ها مشخص شده و موقعیت جغرافیایی آن‌ها جهت بررسی ثبت شد. همچنین تمام عکس‌های هوایی با تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث تطبیق داده شده و محوطه‌ها و آثاری که احتمال داده می‌شد بر اساس فعالیت‌های کشاورزی در سال‌های اخیر از میان رفته‌اند، مشخص گردیدند تا در طول بررسی مورد مطالعه قرار گیرند. قابل ذکر است منطقه مورد بررسی توسط پژوهشکده باستان‌شناسی به چهار بخش مختلف تقسیم شده بود که بررسی مذکور در داخل این چهار بخش صورت گرفت (تصویر ۱). ابتدا بخش A و سپس سه بخش دیگر به ترتیب از شمال به جنوب به صورت پیمایشی مورد بررسی قرار گرفتند. روش ثبت آثار و محوطه‌ها نیز بدین صورت بود که برای هر کدام از آن‌ها یک شناسنامه که شامل تمامی مشخصات ممکن یک آثار یا محوطه بود، پر می‌شد. پس از پر شدن شناسنامه، سفال‌های شاخص از بخش‌های مختلف محوطه‌ها برداشت شده و برای طراحی و مطالعات دیگر انتخاب می‌شدند.

اندازه آن‌ها از ۱۵×۵۰ سانتی‌متر تا ۱۰×۲۵ سانتی‌متر متغیر است. مصالح به کار رفته آجر ($۵ \times ۱۰ \times ۲۵$ سانتی‌متر) با ملات گچ است. در داخل بنا یک عدد طاقچه به ابعاد تقریبی ۷۰×۵۰ وجود دارد که دارای اندود گچ است. این بنا احتمالاً متعلق به دوره پهلوی اول است.

برج مراقبت مخک به طول و عرض چهار متر و ارتفاع پنج متر، در دو طبقه ساخته شده که طبقه اول آن به ارتفاع $۲/۴۰$ متر از سنگ و ملات گچ ساخته شده است. طبقه اول دارای یک در ورودی به ارتفاع $۱/۴۰$ متر و عرض ۸۰ سانتی‌متر در ضلع شمال است. در چهار طرف آن چهار پنجره ۴۰×۴۰ سانتی‌متر قرار دارد و سقف آن از تیرهای چوبی و حصیر و ملات کاهگل ساخته شده است. درون بنا نیز با اندود گچ پوشانده شده است. طبقه دوم از ارتفاع $۲/۴۰$ متری شروع شده و تا ارتفاع پنج متری ادامه دارد. مصالح طبقه دوم کاملاً متفاوت بوده و از آجر و ملات گچ است. ورودی طبقه دوم در ضلع شرقی قرار گرفته و به ارتفاع $۱/۴۰$ و عرض یک متر است. برای دسترسی به طبقه دوم، در گوشه جنوب شرقی طبقه اول، یک پله تعبیه شده که فقط سوراخ‌های آن در دیوار شرقی و جنوبی برجای مانده است. احتمالاً چوب‌هایی در درون این سوراخ‌ها قرار داشته که یک پله را در زاویه بنا ایجاد می‌کرده است. در هر ضلع طبقه دوم یک پنجره به ابعاد ۵۰×۵۰ سانتی‌متر قرار گرفته و تعداد چهار تیرکش نیز در ضلع شرقی و جنوبی قرار دارد. این بنا نیز احتمالاً متعلق به دوره پهلوی اول است.

برج مراقبت حاجی‌آباد به صورت مستطیلی و به ابعاد $۷ \times ۴/۸۰$ است. قبل از ساخت بنا، حدود یک متر با لاشه‌سنگ و خاک پی‌سازی شده است. این بنا به صورت دو طبقه بوده که طبقه دوم بیش‌تر حالت جان‌پناه دارد. ارتفاع باقی مانده از بنا حدود $۵/۵$ متر است. درب ورودی این بنا در ضلع شمالی قرار دارد که بدلیل تخریب، ارتفاع آن مشخص نیست ولی عرض آن یک متر است. سقف طبقه اول از تیرهای چوبی و حصیر و کاهگل ساخته شده است. در داخل طبقه اول و در ضلع غربی سه طاقچه به ابعاد ۸۰×۸۰ سانتی‌متر وجود دارد که در وسط این طاقچه‌ها چهار طاقچه کوچک به ابعاد ۳۰×۱۰ سانتی‌متر قرار داد. در ضلع جنوبی بنا و در ارتفاع یک متری دو طاقچه با طاق

شناسایی شده در این مسیر (برج دیده‌بانی تنگ پله‌ای ۱ و ۲)، در ارتفاعاتی قرار دارند که به دشت و مسیر کاروان‌رو مشرف بوده و به راحتی می‌توانستند با هم ارتباط برقرار کنند. برج تنگ پله‌ای ۱ بر روی کوهی در مرز فسا و جهرم قرار دارد که کاملاً مشرف به دو طرف مسیر بوده؛ یعنی هم بخش‌هایی از مسیر کاروان‌رو منطقه فسا (بیدزرد) و هم بخش‌هایی از مسیر کاروان‌رو منطقه جهرم (خانه‌نهر) را پوشش می‌داده است. این برج به صورت دو اتاقک به هم چسبیده به ابعاد $۶ \times ۱/۷۰$ متر است. ضخامت کلی دیواره آن‌ها یک متر است، ولی دیواره جنوبی اتاق جنوبی حدود $۳/۵$ متر ضخامت دارد. برج دیگر (برج دیده‌بانی تنگ پله‌ای ۲) نیز در اول تنگ پله‌ای قرار دارد که بخش‌های مختلفی از مسیر را پوشش می‌داده است. این برج در جنوب شرقی منطقه خانه‌نهر و در ابتدای مسیر کوهستانی قرار داشته است. برج مذکور دارای یک فضای معماری ۳×۳ متر است که حدود دو متر از ارتفاع آن برجای مانده است. مصالح آن مانند برج قبلی از سنگ و ملات گچ است. برج دیده‌بانی سوم، برج کل‌علی (کربلایی علی) است که در منطقه خانه‌نهر و در مسیر جاده باستانی فسا - جهرم و بر روی کوهی در میانه راه قرار دارد. موقعیت بنا به گونه‌ای است که به تمام دشت مشرف است. این بنا به طول و عرض $۴/۸۰$ و ارتفاع $۳/۲۰$ متر بوده و ساختار معماری آن سنگ‌چین با ملات گچ است. هیچ‌گونه سفالی که به تاریخگذاری این برج‌های دیده‌بانی کمک کند، بدست نیامد ولی احتمالاً مربوط به دوره اسلامی (صفوی) بوده‌اند. در دوره قاجار و پهلوی اول نیز برج‌های دیده‌بانی (مراقبت) زیادی به منظور تأمین امنیت مسیرهای کاروانی ساخته شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

برج مراقبت بند جلوگیر به صورت مدور با قطر $۴/۵$ متر است. کف آن که بر روی بستر طبیعی کوه قرار دارد و از سنگ و ملات گچ ساخته شده است. ارتفاع پی سنگی آن با توجه به بستر کوه از یک تا $۲/۵$ متر متغیر است. بسیاری از بخش‌های بنا از میان رفته ولی بیش‌ترین ارتفاع باقی مانده از دیوار آن حدود پنج متر با ضخامت نیم متر است. در ضلع شمال غربی بنا یک ورودی به ارتفاع $۲/۵$ و عرض یک متر وجود دارد که اخیراً مسدود شده است. دور تا دور بنا هفت تیرکش وجود دارد که

دارای ابعاد $1 \times 1/5$ متر بوده و دارای طاق هلالی است. داخل بنا کامل با گچ اندود شده و سقف بنا نیز با استفاده از تیرهای چوبی، حصیر و ملات کاهگل ساخته شده است. با توجه به نوع معماری، به نظر می‌رسد این بنا متعلق به دوره قاجار باشد.

پی برج مراقبت چدرویه ۲ احتمالاً مربوط به دوره ساسانی بوده که بعداً بر روی آن برج مراقبت جدیدی (قاجاری - پهلوی) ایجاد شده است. برج دیده‌بانی دوره ساسانی چندان قابل تشخیص نیست و فقط چندین قطعه سفال بدست آمد که بیانگر ساسانی بودن بناست. این سفال‌ها از نوع خاکستری ساده، نخودی با نقش طنابی و سفال ساده با لعاب لاجوردی است. سفال‌های شناسایی شده قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از استخر (Whitcomb, 1979) و دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱) است. برج مراقبت جدید به طول هفت و عرض پنج متر با مصالح سنگ و خشت و ملات گچ و گل ساخته شده است. ارتفاع باقی مانده از آن حدود پنج متر است. موقعیت بنا به گونه‌ای است که کاملاً به راه‌ها و دشت‌های اطراف مشرف بوده. ابتدا توسط لاشه‌سنگ زیر بنا پی‌سازی شده و در بعضی جاها از صخره‌های طبیعی به عنوان کف استفاده شده است. روی این کف حدود $2/5$ متر با لاشه‌سنگ و ملات گل ساخته شده که طبقه اول بنا را تشکیل می‌دهد. طبقه دوم نیز با خشت و ملات گل ساخته شده که سقف آن با استفاده از تیرهای چوبی و حصیر پوشانده شده است. داخل و بیرون بنا دارای اندود گچ است. درب ورودی بنا در سمت شرق قرار دارد که عرض آن یک متر است ولی ارتفاع آن بدلیل تخریب زیاد مشخص نیست. در طبقه دوم نیز چند طاقچه در ضلع شمالی و جنوبی وجود دارد که دارای تاق‌های هلالی است. در اطراف بنا چندین تیرکش وجود دارد که اندازه آن‌ها به دلیل تخریب مشخص نیست. این بنا نیز مانند برج مراقبت قبلی احتمالاً متعلق به دوره قاجار بوده است.

برج مراقبت رودخانه شور به طول ۱۵، عرض نه و ارتفاع شش متر است. پلان بنا کاملاً شبیه برج مراقبت چدرویه ۱ است. ورودی بنا به عرض $1/5$ و ارتفاع $2/60$ متر به راهرویی به طول $4/80$ متر باز می‌شود که دو اتاق $4/5 \times 4$ متر در دو طرف آن قرار دارد که احتمالاً اتاق نگهبانی بوده است. در نهایت این راهرو به اصطبل به طول هفت و عرض پنج متر ختم می‌شود

ضربی دیده می‌شود که در وسط آن‌ها دو پنجره کوچک وجود دارد. در بالای همین طاقچه‌ها و در طبقه دوم یک پنجره به ابعاد 60×40 سانتی‌متر قرار گرفته که دو تیرکش نیز در اطراف آن است. این بنا احتمالاً مربوط به دوره قاجار بوده که در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

برج مراقبت چدرویه ۱ به صورت T شکل بوده که فضای ورودی آن $4/20 \times 5$ متر و فضای اصلی آن 15×5 متر است. در شمال و جنوب آن یک تورفتگی یک متری وجود دارد. بنا از لاشه‌سنگ، خشت و ملات گل ساخته شده و بیرون آن با گچ اندود شده است. ابتدا بستر کوه را با لاشه‌سنگ پی‌سازی کرده و سپس بنا را بر روی آن ایجاد کرده‌اند. حدود دو متر از بنا که طبقه اول را تشکیل می‌دهد با لاشه‌سنگ و ملات گل و چهار متر بالای آن با خشت ساخته شده است. دور تا دور بنا حفره‌هایی به اندازه 85×30 و عمق ۳۰ سانتی‌متر وجود دارد که درون آن یک چوب افقی قرار دارد که برای بستن لگام حیوانات بوده است. درب اصلی در سمت شرق قرار دارد که دارای $1/5$ متر عرض و $2/20$ متر ارتفاع با طاق هلالی است. ۲۰ عدد تیرکش و دریچه‌هایی جهت دیده‌بانی وجود داشته که بدلیل تخریب اندازه دقیق آن‌ها مشخص نیست، ولی احتمالاً تیرکش‌ها 20×20 سانتی‌متر و دریچه‌های دیده‌بانی 40×40 سانتی‌متر بوده‌اند. راهروی ورودی پنج متر بوده که در سه متری آن دو اتاق 3×4 قرار دارد. عرض درب ورودی این اتاق‌ها یک متر و ارتفاع آن‌ها دو متر با طاق هلالی شکل است. درب ورودی اتاق اصلی که در انتهای راهرو قرار دارد به عرض یک و ارتفاع دو متر با طاق هلالی شکل است. ابعاد اتاق اصلی 15×3 متر است که در سمت چپ آن راه‌پله‌ای با ۱۰ پله به عرض ۹۰ سانتی‌متر وجود دارد که به پشت بام راه داشته است. در کنار راه‌پله یک درب ورودی به عرض ۷۰ سانتی‌متر و ارتفاع دو متر وجود دارد که به دالانی پنج متری ختم می‌شود که در انتهای دالان یک اتاق $2 \times 1/20$ متر قرار دارد که این اتاق نیز دارای دربی به پهنای ۶۰ سانتی‌متر است. اتاق اصلی بنا (15×3 متر) دارای هفت طاقچه در ضلع غربی، یعنی روبروی ورودی، است که اندازه‌های آن‌ها بین $1 \times 1/5$ و $1/5 \times 70$ متر متغیر است؛ همچنین یک طاقچه در ضلع شمالی این اتاق قرار دارد که

اشکانی / ساسانی بوده است. دومین قلعه از منطقه گلدامچه شناسایی شد. تخت شاه، بر روی دامنه کوه و صخره‌های طبیعی قرار گرفته و با توجه به بستر طبیعی کوه، قلعه حالت دوزنقه به خود گرفته است. ضلع شمالی قلعه ۵۵ متر، ضلع جنوبی ۸۵ متر، ضلع شرقی ۲۰ متر و ضلع غربی ۳۰ متر است. چهار برج به قطر دو متر در چهار طرف بنا وجود داشته و درب ورودی آن به احتمال زیاد در قسمت شرق قرار داشته است. سفال‌های قلعه به صورت نخودی ساده، نخودی با نقش کنده، نخودی شیاردار و سفال‌های خاکستری با نقش بند انگشتی و ساده است. سفال‌های این قلعه قابل مقایسه با سفال‌های شناسایی شده از دره‌های گله‌دار، دژگاه (Whitehouse, 2009) و حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) است. با توجه به نوع سفال‌ها به نظر می‌رسد این قلعه متعلق به دوره ساسانی است. سومین قلعه از منطقه باباعرب بدست آمد. قلعه یا قلات موکو در مسیر فسا به جهرم و بر روی یک بلندی (انتهای شرقی کوه مادون) قرار دارد. با توجه به بستر طبیعی کوه، قلعه حالت سه‌گوش به خود گرفته که دو برج در ضلع‌های شرقی و غربی آن قرار دارد و قطر هر کدام از آن‌ها حدود سه متر است. این بنا نخست با سنگ و ملات گچ و آهک پی‌ریزی شده و سپس دیوار خشتی حصار بر روی آن قرار گرفته است. سفال‌های این قلعه از نوع نخودی ساده، نخودی با نقش طنابی، نخودی با لعاب گلی قرمز، نخودی با لعاب لاجوردی، خاکستری ساده و شیاردار است. سفال‌های این قلعه بیش‌تر شبیه سفال‌های شناسایی شده از دره‌های گله‌دار، دژگاه (Whitehouse, 2009)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) و دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱) است. با توجه به سفال‌های شناسایی شده، به نظر می‌رسد این قلعه نیز از آثار دوره ساسانی است.

قلعه بازون نیز در منطقه باباعرب قرار دارد. این قلعه بر روی یک بلندی قرار گرفته که کاملاً مشرف به دشت بوده و با توجه به بستر طبیعی کوه گسترش یافته و حالت سه‌گوش به خود گرفته است. پی حصار بنا از سنگ و گچ و دیوارها از خشت‌اند. ضلع شرقی قلعه ۸۵ متر و ضلع شمالی و جنوبی آن هر کدام ۱۶۰ متر است. ضخامت دیوار قلعه سه متر و دارای سه برج با قطر هفت متر در سه گوشه است که کاملاً تخریب شده‌اند.

که در آن حفره‌هایی برای بستن حیوانات و شش آخور وجود دارد. سقف این اصطبل شامل دو طاق است که به فاصله ۲/۵ متری از هم قرار دارند. کنار طویل یک انبار علوفه به اندازه ۲ × ۲ متر وجود دارد که از طریق یک درب ۱ × ۲ متر به اصطبل دسترسی داشته است. پشت انبار یک اتاق ۲ × ۲ متر وجود دارد که از طریق یک راهرویی به طول شش و عرض یک متر قابل دسترسی است. در انتهای راهرو حفره‌ای به اندازه ۲۰ × ۴۰ سانتی‌متر برای دیده‌بانی وجود دارد. درب اتاق آخری ۱ × ۲ متر و دارای دو طاقچه ۱ × ۱/۵ متر است. راه‌پله‌ای به طول ۸۰ سانتی‌متر از طریق اصطبل به پشت بام راه داشته است. طبقه دوم بنا کاملاً تخریب شده ولی احتمالاً به صورت جان‌پناه بوده است. اطراف بنا نیز چندین تیرکش به اندازه ۲۰ × ۲۰ سانتی‌متر وجود دارد. این بنا نیز احتمالاً از آثار دوره قاجار است.

۳- قلعه

قلعه‌های شناسایی شده در بررسی بخش کردیان در مناطق مختلف قرار داشته و مربوط به دوره‌های مختلف هستند که عبارتند از: قلعه گبری، تخت شاه، قلات موک، قلعه بازون، قلعه پَر رودخانه شور، قلعه پَر خروس‌خوان، قلعه تبر، قلعه شمس‌آباد و قلعه دنیان.

اولین قلعه قلعه گبری است که در منطقه خانه‌نهر قرار دارد. این بنا به طول تقریبی ۷۰ و عرض ۱۰ تا ۳۰ متر است. بیش‌تر فضای معماری قلعه گبری تخریب شده و فقط بقایای چند دیوار به ارتفاع سه تا چهار متر برجای مانده است. پلان بنا بطور دقیق مشخص نیست، ولی با توجه به موقعیت طبیعی کوه، قلعه به صورت سه گوش ساخته شده است (تصویر ۲). سفال‌های شناسایی شده از این قلعه از نوع خاکستری ساده، خاکستری با نقش کنده، قرمز با نقش افزوده، نخودی ساده، نخودی با نقش کنده، نخودی با لعاب گلی قرمز، نخودی با نوار قرمز بر روی لبه و همچنین سفال‌های خاکستری با دسته دماغی شکل بود (جدول ۱، طرح ۱). سفال‌های این قلعه قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از دره‌های گله‌دار، دژگاه (Whitehouse, 2009) و حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) است. با توجه به ویژگی معماری و نوع سفال‌ها به نظر می‌رسد این دژ دارای استقرار

بوده است. با توجه به اطلاعات تاریخی و نوع سفال‌ها، احتمالاً قلعه از سده‌های اولیه اسلامی تا دوره قاجار کم و بیش مورد استفاده بوده است. با این حال احتمال آنکه پایه‌های آن متعلق به دوره ساسانی بوده نیز وجود دارد که این نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تر و کاوش‌های باستان‌شناسی است. در طول بررسی دو قلعه جدیدتر نیز شناسایی شد که تا حدودی هنوز سالم باقی مانده‌اند. قلعه شمس‌آباد و دنیان از قلعه‌های دوره قاجاری‌اند که تا حدود ۴۰ سال پیش نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

۴- چهارطاقی

فقط یک نمونه چهارطاقی در بررسی کردیان شناسایی شد. این اثر که در نوع خود منحصر به فرد است، در منطقه بابا عرب بخش کردیان قرار دارد. این بنا از شمال به جاده جهرم - فسا و از جنوب، شرق و غرب به زمین‌های کشاورزی محدود می‌شود. بنا بر روی یک پشته طبیعی که حدود ۳۰ متر از دشت اطراف بالاتر است، قرار دارد (تصویر ۳). ارتفاع بنا در حال حاضر ۸ متر است که حدود ۳/۵ متر آن گنبد است که بر روی پایه‌هایی به قطر ۲/۵ متر قرار گرفته است. در چهار طرف بنا چهار طاق به ارتفاع و عرض چهار متر وجود دارد که ضخامت دیوار آن‌ها ۱/۵ متر است. دور تا دور چهارطاقی، به عرض سه متر و ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر پی‌سازی شده است. در دامنه تپه دیواری به ضخامت دو متر وجود دارد که دور تا دور آن را پوشش می‌دهد؛ از این دیوار فقط پی آن برجای مانده است. پلان این بنا تا حدودی قابل مقایسه با چهارطاقی‌های نقاره‌خانه و تُل جنگی در شهرستان فراشبند است (Vanden Berghe, 1961). این بنا احتمالاً از آثار اواخر دوره ساسانی بوده است.

۵- کاروانسرا

در طول بررسی پنج کاروانسرا شناسایی شد که بیانگر اهمیت منطقه جهرم در قرار گرفتن مسیر تجاری بوده که در نهایت به بندر عباس ختم می‌شده است. اولین کاروانسرای شناسایی شده (کاروانسرای شاه عباسی) که به شدت تخریب شده، در منطقه خانه‌نهر قرار دارد. طول این محوطه حدود ۲۰ و عرض آن ۱۷ متر است. ساختار معماری آن سنگ‌چین با ملات گچ است.

سفال‌های بدست آمده از نوع نخودی ساده، نخودی با نقش کنده، نخودی با لعاب لاجوردی، خاکستری سیاه و خاکستری با نقش کنده است (جدول ۲، طرح ۲). سفال‌های این قلعه نیز قابل مقایسه با سفال‌های دره‌های لامرد و دژگاه (Whitehouse, 2009)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994)، دارابگرد و اردشیرخوره (امیری، ۱۳۹۱) است. با توجه به انواع سفال‌های شناسایی شده، احتمالاً این قلعه متعلق به دوره ساسانی بوده است. از دیگر قلعه‌های شاخص، قلعه پر رودخانه شور است که حدود ۴۰۰ متر طول و ۲۰ متر عرض دارد. این قلعه چهار برج دیده‌بانی داشته که قطر کنونی آن‌ها حدود ۴ متر است. ساختار معماری درون آن توسط حفاران غیرمجاز به شدت آسیب دیده است. سفال‌های شناسایی شده از نوع نخودی و قرمز ساده و شیاردار و همچنین سفال‌های خاکستری ساده و خاکستری با نقش کنده‌اند. سفال‌های بدست آمده از این قلعه قابل مقایسه با سفال‌های شناسایی شده از دره‌های دره‌های لامرد و دژگاه (Whitehouse, 2009)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) و شرق عربستان (Kennet, 2002) است. با توجه به ویژگی سفال‌های بدست آمده به نظر می‌رسد این قلعه متعلق به دوره اشکانی و ساسانی است (جدول ۳، طرح ۳).

قلعه پر خروس‌خوان در شمال غرب روستای علویه قرار دارد که بیش‌تر بخش‌های معماری آن از میان رفته است. این قلعه حالت دیده‌بانی و نظامی داشته و مشرف بر دشت‌های اطراف است. سفال‌های بدست آمده از نوع نخودی ساده، نخودی با نقش کنده و شیاردار، خاکستری ساده و شیاردار است. سفال‌های شناسایی شده از این قلعه قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) است. با توجه به ویژگی سفال‌های شناسایی شده، احتمالاً این قلعه نیز از آثار دوره ساسانی است. قلعه تبر، بر روی کوهی به همین نام در ۵۰ کیلومتری شرق جهرم قرار دارد. سفال‌های شناسایی شده از این قلعه شامل سفال‌های نخودی ساده، نخودی با نقوش افزوده طنابی، سفال‌های خاکستری ساده، خاکستری شیاردار، سفال‌هایی با لعاب آبی و سبز است. با توجه به موقعیت و ارتفاع قلعه، به نظر نمی‌رسد هیچ‌گاه این قلعه مورد استفاده حکومت بوده و بیش‌تر در اختیار یاغیان، راهزنان و شورشیان

استفاده می‌شود.

کاروانسرای شماره ۲ مخک در شمال کاروانسرای شماره ۱ قرار گرفته که از لحاظ معماری تقریباً متفاوت است. پلان این کاروانسرا به صورت دو ایوانی است که ورودی آن در جنوب غرب بنا قرار گرفته است. بیش‌تر آثار معماری بنا تخریب شده و قابل تشخیص نیست. در وسط حیاط باراندازی بوده که به شدت تخریب شده است. در مجموع حدود ۲۴ حجره در این کاروانسرا وجود داشته که دارای تزیینات کاربندی بوده‌اند. مصالح به کار رفته لاشه‌سنگ و ملات گچ است. تمام قسمت داخلی بنا دارای اندود گچ بوده که از میان رفته است. پلان این بنا از نوع دو ایوانی بوده و دارای چندین برج در زوایای مختلف است. ماکسیم سیرو در توصیف کاروانسراهایی که در مسیر شیراز به بندر عباس قرار دارند، از کاروانسرای مخک نیز نام برده و آن را مربوط به دوره صفوی می‌داند (سیرو، ۱۹۴۹: ۴۶-۴۵).

کاروانسرای چدرویه یکی از آثار شاخص دوره صفوی است که در جنوب روستای چدرویه قرار دارد. با وجود اهمیت آن، تا کنون این اثر در فهرست میراث ملی قرار نگرفته است. کاروانسرای چدرویه به طول ۳۳ و عرض ۳۰ متر از لاشه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است. کاروانسرا دارای ۲۳ حجره به ابعاد ۳×۳ متر با اتاق‌های ضریبی شکل است. در ضلع جنوبی بن راه‌پله‌ای به عرض ۱/۶۰ متر وجود دارد که به پشت بام منتهی می‌شده است. در ضلع شمالی و روبروی همین پلکان اتاقی به عرض ۱/۶۰ و طول پنج متر با طاق ضریبی دیده می‌شود که احتمالاً اتاق نگهبانی بوده است. حجره‌ها دارای تزیینات کاربندی است. طول دالان ورودی ۸/۵ متر است که دو اتاق ۴/۵×۳ متر در سمت راست و چپ آن قرار دارد. برخلاف دیگر حجره‌ها که درب آن‌ها به حیاط باز می‌شود، درب اتاق‌ها به همین دالان ورودی باز می‌شود. حیاط کاروانسرا ۱۸×۱۸ متر است و جلو هر حجره یک سکوی دو متری وجود دارد که نیم متر بالاتر از سطح حیاط است. در دو طرف دالان ورودی یک سکوی ۵/۵ متری به عرض ۷۰ سانتی‌متر وجود دارد. در ضلع شمال غربی و جنوب غربی بنا دو اتاق به ابعاد ۸×۳/۵ متر وجود دارد که بزرگ‌تر از بقیه اتاق‌هاست. با توجه به ساختار و پلان

کاروانسرا تا حدود زیادی تخریب شده و پلان آن قابل تشخیص نیست، ولی با توجه به ویژگی‌های معماری آن احتمالاً مربوط به دوره صفوی است. در منطقه مخک نیز دو کاروانسرا وجود دارد که هر دو آن‌ها در سال ۱۳۸۱ در فهرست آثار ملی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد دو کاروانسرای صفوی در اینجا وجود داشته که با مخروبه شدن یکی از آن‌ها، کاروانسرای جدیدی در دوره قاجار جایگزین آن می‌شود. این نکته از توصیف جملی کارری در سال ۱۶۹۴ میلادی (۱۱۰۴ هجری) از کاروانسرای مخک قابل درک است (کارری، ۱۳۴۸: ۱۹۱):

«... به کاروانسرای موکاک [مخک] رسیدیم. دو کاروانسرا پیش هم بود. قاطرها را به ردیف، جلو آخورها بسته بودند. بلدرچین‌ها دسته دسته روی زمین نشسته [بودند] و دانه‌های جو را که از علف چارپایان فرو ریخته بود، نوک می‌زدند...»

اولین کاروانسرا که به کاروانسرای مخک ۱ نامگذاری شده، به شماره ۶۷۸۴ ثبت شده است. این کاروانسرای مربعی شکل (به ابعاد ۵۵ متر)، در جنوب کاروانسرای شماره ۲ قرار گرفته و ورودی آن از سمت شمال شرق است. بنای کاروانسرا به صورت چهار ایوانی با ۹ حجره (۳×۳ متر) در شمال و جنوب آن است. عرض دیوار حجره‌ها ۶۰ سانتی‌متر و دهانه ورودی آن‌ها ۱/۲۰ متر است (تصویر ۴). در پشت حجره‌ها، اتاق‌های دیگری به طول پنج و عرض سه متر وجود داشته است که از بین رفته‌اند. سقف حجره‌ها بوسیله تاق‌های ضریبی و با استفاده از لاشه‌سنگ و ملات گچ ایجاد شده است. بعدها در ضلع جنوبی تغییراتی ایجاد شده و در دوره پهلوی به عنوان پاسگاه استفاده شده است. نمای شرقی و همچنین نمای ورودی کاروانسرا با گچ اندود شده است. در جهه شمالی این اثر، در بدنه بیرونی سکویی به ارتفاع ۵۰ و عرض ۳۰ سانتی‌متر وجود دارد. ابتدای ورودی دالانی است که در قسمت بالای سردر آن جای کتیبه است که خود کتیبه اکنون وجود ندارد. در وسط حیاط باراندازی به ابعاد ۹×۹ متر و به ارتفاع یک متر وجود دارد که دیواره‌های آن فرو ریخته است. به نظر می‌رسد با مخروبه شدن کاروانسرای قدیم‌تر این کاروانسرا بوسیله حاج محمدحسن خان (حاکم جهرم) در سال ۱۲۵۰ هجری قمری ساخته شده است (اطهری، ۱۳۹۱: ۶۰۱). این کاروانسرا در حال حاضر به عنوان آغل گوسفندان

چدرویه) در کنار روستای چدرویه قرار دارد که هم اکنون به عنوان قبرستان روستا استفاده می‌شود. وسعت تپه ۱۰۰×۵۰ متر و ارتفاع آن حدود ۳ متر است. سفال‌های بدست آمده از این تپه از نوع نخودی و خاکستری شیاردار و سفال‌های ساده با لعاب گلی قرمز است. سفال‌های این محوطه قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از استخر (Whitcomb, 1979) و دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱) است. با توجه به سفال‌های شناسایی شده به نظر می‌رسد این محوطه از استقرارهای دوره ساسانی بوده است. تپه قلی‌خانی محوطه‌ای است که در منطقه گلدامچه قرار دارد. این تپه به طول و عرض ۱۰۰ و ارتفاع ۳ متر است. خاک‌های قسمت غرب تپه برای رشوه دادن به زمین‌های کشاورزی برداشته شده که همین امر باعث شده تقریباً یک سوم تپه از میان برود. سفال‌های بدست آمده از نوع نخودی ساده، خاکستری ساده و نقش‌کننده موجی شکل است. سفال‌های شناسایی شده از این محوطه قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از دره‌های دژگاه و لامرد (Whitehouse, 2009)، محوطه حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) و شرق عربستان (Kennet, 2004) است. با توجه به ویژگی سفال‌های شناسایی شده احتمالاً این تپه نیز متعلق به دوره ساسانی بوده است. در بررسی سطح محوطه بخشی از یک قلمه ستون کوچک بدست آمد که بیانگر ساختار معماری در زیر محوطه است. یک تپه دیگر (تپه قبرستان گلدامچه) نیز در نزدیکی تپه قلی‌خانی قرار دارد که احتمالاً همزمان با آن بوده است.

تُلال در منطقه بابا عرب قرار دارد. اندازه تپه ۱۲۰×۷۰ متر و ارتفاع آن حدود ۲۰ متر است. آثار دیوارهایی به ضخامت یک متر بر روی تپه مشاهده می‌شود. تراکم سفالی بیش‌تر در ضلع غربی و جنوب غربی تپه است. سفال‌ها از نوع نخودی ساده، نخودی با شیارهای بزرگ بر روی لبه، نخودی با لعاب گلی قرمز، نخودی با نقش‌کننده، قرمز ساده، قرمز با لعاب لاجوردی، خاکستری ساده و خاکستری با نقش‌کننده است. سفال‌های این محوطه قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از استخر (Whitcomb, 1979)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) و دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱) است. با توجه به سفال‌های شناسایی شده، به نظر می‌رسد این تپه دارای استقرارهای ساسانی

بنا، به نظر می‌رسد این کاروانسرا نیز متعلق به دوره صفوی است که مانند کاروانسرای شاه عباسی خانه‌نهر در مسیر کاروان‌رو فسا - جهرم قرار داشته است.

کاروانسرای شاه عباسی گلدامچه بنایی دارای سه حجره در شرق و یک طویلۀ طولی در غرب است. بر روی هر کدام از حجره‌ها یک گنبد و بر روی طویلۀ سه گنبد وجود دارد. اندازه حجره‌های کناری ۳×۳ متر و اندازه حجره وسطی ۴×۴ است. جلو هر کدام از این حجره‌ها یک ایوان کوچک به طول $۲/۵$ متر وجود دارد. کف حجره‌ها حدود نیم متر بالاتر از ایوان بوده که با ملات گچ اندود شده است. حجره‌های کناری دارای دو طاقچه به اندازه $۱ \times ۱/۴۰$ متر و یک شومینه به اندازه $۱ \times ۱/۵$ متر روبروی درب ورودی است. طاقچه‌ها و شومینه‌ها ۴۰ سانتی‌متر بالاتر از کف حجره قرار دارد. حجره وسطی که بزرگ‌تر است دارای چهار طاقچه در ضلع شمالی و جنوبی به اندازه ۱×۱ متر است. شومینه این حجره با اندازه $۱ \times ۱/۵$ متر دارای طاقی ضربی است و روبروی درب ورودی قرار دارد. طویلۀ بنا که در ضلع غربی بنا قرار دارد، دارای هشت حفره به اندازه ۴۰×۲۰ سانتی‌متر در ضلع شرقی و چهار حفره در ضلع غربی است که محل بستن لگام اسب بوده است. این بخش بنا دارای تاق‌های ضربی است که با گچبری تزیین شده‌اند. پایه تاق‌ها در ضلع شرقی بر روی دیوار پستی حجره‌ها و در ضلع غربی بر روی یک ستون کوتاه قرار گرفته است. دو دهانه طاق به اندازه $۲ \times ۱/۵$ و ارتفاع ۵ متر در ضلع غربی وجود دارد که هم نقش تزیینی و هم نقش کاربردی داشته است. در ضلع شمال شرقی بنا یک آب‌انبار به طول ۱۵ و عرض ۳ متر وجود دارد که احتمالاً همزمان با کاروانسرا بوده است. عمق آن بدلیل پُرشدگی مشخص نیست ولی ضخامت دیوار آن حدود ۷۰ سانتی‌متر است. گوشه‌های آب‌انبار حالت هلالی شکل داشته و کف و دیوار آن دارای اندود آهک است.

۶- تپه

در طول بررسی تعداد اندکی تپه شناسایی شد که تمامی آن‌ها مربوط به دوران تاریخی و اسلامی بودند. هیچ گونه تپه پیش‌ازتاریخی بدست نیامد. اولین تپه شناسایی شده (تپه قبرستان

روستای بی‌بی شهربانو قرار دارد. وسعت تپه 20×40 متر و ارتفاع $1/5$ متر است. تعدادی سفال‌های نخودی ساده، نخودی با نقش کنده و سفال قرمز ساده و قرمز با نقش کنده شناسایی شد که بسیار شاخص نبودند.

۷- گورستان

با توجه به اینکه جهرم محل استقرار بسیاری از کوچ‌نشینان عرب و باصری است، تعداد زیادی گورستان متعلق به این اقوام در بخش کردیان وجود دارد که در مناطق مختلف پراکنده‌اند و عبارتند از گورستان عشایری خانه‌نهر، گورستان عشایری بغل سیاه، گورستان عشایری مخک و گورستان عشایری چدرویه.

گورستان خانه‌نهر به طول و عرض 50 و 20 متر، ساختار معماری سنگ‌چین دارد که سنگ‌ها به صورت عمود در زمین کار گذاشته شده و یک فضای هندسی را شکل می‌دهند (تصویر ۶)؛ جز یک گور که بر روی سنگ قبر آن تصویر یک سوار است (تصویر ۷ و تصویر رنگی ۹)، دیگر گورها فاقد سنگ قبر بودند. گورستان بغل سیاه به طول 50 و عرض پنج متر در نزدیکی روستای بغل سیاه قرار دارد. گورستان مذکور در 5 متری غرب جاده قدیم شیراز - جهرم و در فاصله 20 متری جاده جدید قرار دارد. این محوطه در جهت شمال - جنوب گسترش یافته و معماری آن از نوع سنگ‌چین است. جز چند مورد هیچ‌گونه سنگ قبری بر روی گورها وجود ندارد؛ تنها یک قبر دارای تاریخ 1326 هجری قمری است. با توجه به تاریخ مذکور احتمالاً این گورستان متعلق به عشایر منطقه در دوران قاجار بوده است. گورستان مُخک در شرق کاروانسرای مخک قرار گرفته که یک گورستان عشایری با معماری سنگ‌چین ساده است؛ بدین صورت که گور در مرکز قرار گرفته و اطراف آن را با قلوه‌سنگ‌هایی که در زمین فرو رفته، به شکل هندسی در آورده‌اند. تاریخ دقیق این گورستان مشخص نیست ولی تعدادی از گورهای آن متعلق به دهه 1340 شمسی‌اند. با این حال به نظر می‌رسد بیشتر گورهای آن مربوط به دوران قدیم‌تر باشند که در منطقه‌ای به وسعت حدود 70×20 متر پراکنده‌اند. در وسط گورستان یک اتاقک کوچک قرار دارد که احتمالاً گور یک فرد مهم بوده است. گورستان چدرویه به طول و عرض 50 متر

و اسلامی است. هیچ‌گونه رودخانه دائمی در نزدیکی تپه وجود ندارد، ولی در گذشته چندین چشمه در کوه‌پایه‌های شمالی و جنوبی محوطه جاری بوده که بدلیل خشکسالی‌های اخیر خشکیده‌اند.

مجموعه تل امامزاده شاه خورشید در کنار روستای هورموج قرار دارد. این مجموعه تپه در یک منطقه‌ای به وسعت 400×400 متر قرار دارد که شامل چندین تپه است. خود امامزاده بر روی یکی از این تپه‌ها ایجاد شده که تل مهره‌ای در شرق آن، تل غاری در جنوب و تل بارگاه در جنوب شرقی آن واقع شده است. وسعت محوطه‌ها بین یک و نیم تا دو هکتار با ارتفاع دو تا پنج متر است. محوطه‌های دیگری نیز احتمالاً در این منطقه وجود داشته که بدلیل فعالیت‌های کشاورزی از بین رفته است. آثار بدست آمده شامل تعداد زیادی سفال‌های نخودی ساده، نخودی با نقش کنده، نخودی با لعاب گلی قرمز، اسگرافیاتو، نقاشی زیر لعاب، آبی و سفید و سفال‌های خاکستری است. سفال‌های شناسایی شده از این محوطه‌ها نشان می‌دهد که این منطقه دارای استقرار ساسانی و اسلامی (ششم تا دهم هجری) بوده است.

تپه موسویه در وسط دشت و شمال روستای موسویه، بر روی یک صخره طبیعی قرار دارد. اندازه تپه 50×50 متر و ارتفاع آن حدود پنج متر است. بر روی تپه آثار چند ساختار معماری به شکل مربع به چشم می‌خورد که ضخامت دیوارها حدود 70 سانتی‌متر و از قلوه‌سنگ، سنگ‌های لاشه و ملات گچ ساخته شده‌اند. بیش‌تر معماری در بخش شمال شرقی و شرق تپه مشاهده می‌شود. وسعت تپه بسیار زیادتر بوده که توسط کشاورزان بخش‌هایی از آن کاملاً تسطیح شده است. در گوشه شمال شرقی این تپه آثاری از یک برج با قطر چهار متر که از سنگ و ملات گچ ساخته شده نمایان است که شدیداً تخریب شده. سفال‌های بدست آمده از این تپه از نوع نخودی ساده و شیاردار و خاکستری ساده است که قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994) و اردشیرخوره (امیری، ۱۳۹۱) است. با توجه به نوع سفال‌های سطحی و مقایسه آن با محوطه‌های دیگر به نظر می‌رسد این تپه متعلق به دوره ساسانی است. تپه بی‌بی شهربانو در جنوب شرقی

سنگی در جهت شمال شرقی به منظور استحکام بنا وجود داشته است. همچنین یک جوی جهت هدایت آب در پشت دریاچه به عرض نیم و طول ۳۰ متر قرار دارد. هیچ‌گونه سفالی که به تاریخ‌گذاری این بند کمک نماید شناسایی نشد، ولی با توجه به ساختار معماری به نظر می‌رسد از آثار دوره ساسانی است. بند و بست دیگری در پشت این بند قرار داشته که طول آن بیش از ۱۰۰ متر با دیواره‌ای به ضخامت یک متر است. این بند از سنگ‌های لاشه و ملات ساروج ساخته شده است. بند و بست ۲ احتمالاً همزمان با بند و بست ۱ و جهت کنترل بیش‌تر آب منطقه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تمام بخش‌های اثر که در داخل رودخانه قرار داشته به مرور بر اثر آب شسته شده و فقط دیوارهای آن در دو طرف رودخانه برجای مانده است.

دو بند دیگر نیز در منطقه گلدامچه شناسایی شد که بیش‌تر بخش‌های آن‌ها تخریب شده است. این بندها بر روی یک رودخانه فصلی قرار گرفته‌اند. آثار باقی مانده از یکی از بندها (بند تاریخی گلدامچه ۱)، یک دیوار به طول ۲۰ و عرض ۳/۵ متر است. این دیوار از لاشه‌سنگ و ملات ساروج ساخته شده که ارتفاع باقی مانده از آن حدود سه متر است. بدلیل شسته شدن این بند، ساختار معماری آن چندان مشخص نیست. این بند دارای یک پشت‌بند به عرض پنج و طول کنونی ۱۵ متر است. بیش‌تر آثار این بند بخاطر سیلاب از میان رفته است. با توجه به ساختار معماری آن، احتمالاً این بند در دوره ساسانیان ایجاد شده است. بند تاریخی گلدامچه ۲ حدود ۵۰ متر پایین‌تر از بند گلدامچه ۱ قرار دارد. بیش‌تر بخش‌های این بنا نیز بخاطر سیلاب شسته شده، ولی آثار باقی مانده دیواری به طول ۱۰ و عرض چهار و ارتفاع سه متر است. مصالح آن از سنگ لاشه و ملات ساروج است. بدلیل حفاری‌های غیر مجاز شکاف بزرگی به طول شش و عرض ۱/۲۰ متر در وسط دیوار ایجاد شده است. به نظر می‌رسد که این اثر نیز همزمان با بند قبلی و مربوط بوده است.

پل رشه از پل‌های تاریخی و معروف بخش کردیان است. این پل در محل اتصال رودخانه دالی به کشته برفی، در نزدیکی محل اتصال آن به رودخانه شور و در مسیر راه کاروانرو و تاریخی معروف به «راه شیرازی» قرار دارد. این پل دارای هشت

در نزدیکی برج مراقبت چدرویه ۲ قرار دارد. معماری این گورستان به صورت سنگ‌چین ساده به ابعاد تقریبی ۱×۲ متر است با توجه به اینکه این گورستان در محدوده مراتع ایل باصری قرار دارد، به نظر می‌رسد این گورستان متعلق به کوچ‌نشینان باصری بوده است. قابل ذکر است تعداد ۱۰ عدد گور خرف‌خانه‌ای نیز از منطقه خانه‌نهر بدست آمد که در مسیر جاده قدیم فسا - جهرم، بر روی یک کوه تقریباً مرتفع قرار دارد که محوطه‌ای به طول ۸۰ و عرض ۵۰ متر را شامل می‌شود. میانگین ارتفاع سنگ‌چین این گورها حدود دو متر است. تاریخ‌گذاری خرف‌خانه‌ها مشکل به نظر می‌رسد ولی با توجه به وجود آثار ساسانی زیاد در منطقه، شاید این خرف‌خانه‌ها نیز همزمان با آنها بوده است.

۸- بند و پل

هیچ‌گونه رودخانه دائمی در بخش کردیان جریان ندارد، به همین خاطر ذخیره آب در منطقه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. با این همه تعدادی رودخانه فصلی در این بخش وجود دارد که در گذشته با ایجاد بند توانسته‌اند تا حدودی آب آن‌ها را کنترل نمایند. علاوه بر بند، در دوره‌های متأخر چندین پل نیز بر روی این رودخانه‌های فصلی ایجاد شده که نشان می‌دهد این رودخانه‌ها برای مدتی در طول سال جریان داشته‌اند. یکی از بندهای بزرگ بر روی یک رودخانه فصلی در جنوب روستای بند و بست ایجاد شده است^۱. مصالح آن از لاشه‌سنگ و ملات ساروج است (تصویر ۸). ارتفاع دیوار آن حدود چهار و ضخامت آن حدود دو متر است. طول کنونی آن حدود ۱۴۰ متر است که البته بخش‌هایی از آن بدلیل جاده‌سازی از میان رفته است. در پشت دیوار بند سکویی به عرض یک متر وجود دارد که احتمالاً به عنوان پشت‌بند استفاده می‌شده است. این بند از جهت جنوب غربی به دامنه کوهی که در این بخش قرار داشته، ختم می‌شده که دیوارهای این قسمت از میان رفته است. بند دارای یک دریاچه با دهانه چهار متری است که در انتهای دیوار و در سمت جنوب شرقی قرار دارد. پنج پشت‌بند

۱- نام روستا برگرفته از همین بند و بست است.

پل‌ها از هم جدا می‌شده‌اند.

۹- آسیاب

در این بررسی پنج آسیاب شناسایی شد که بیش‌تر آن‌ها احتمالاً متعلق به دوره قاجار و پهلوی‌اند. آسیاب دو تنوره باباعرب دارای دو تنوره است که قطر دهانه داخلی آن‌ها ۱/۵ متر و دهانه بیرونی ۳/۵ متر و ضخامت دیواره آن‌ها ۶۰ سانتی‌متر است. عمق تنوره سالم ۱۰ و عمق تنوره تخریب شده شش متر است. آب این آسیاب از طریق چشمه بوغن تأمین می‌شده است. آب‌راهی به طول ۱۰۲ متر آب را به داخل این تنوره‌ها هدایت می‌کرده که عرض دهانه آن بین ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر و ضخامت دیواره آن ۶۰ سانتی‌متر است. این آب‌راه از سنگ و ساروج ساخته شده و کف آن نیز با ملات ساروج اندود شده است. در ضلع جنوبی تنوره‌ها یک اتاق با سقف گنبدی قرار دارد که سنگ آسیاب در درون آن قرار می‌گرفته است. این اتاق به طول پنج و عرض چهار متر و دارای یک طاق ضربی در انتها با تزیینات گچی است. دهانه و ارتفاع این اتاق ۲/۵ متر و عمق آن ۱/۳۰ متر است. یک جوی آب به عرض یک متر و عمق ۷۰ سانتی‌متر آب را به بیرون هدایت می‌کرده است. داخل تنوره ۱۰ لایه اندود دیده می‌شود که نشان می‌دهد بارها و بارها مرمت شده است.

آسیاب دنیان تنوره‌ای به ارتفاع حدود ۱۰ متر دارد و جوی آبی به آن منتهی می‌شده است. محلی قرارگیری سنگ آسیاب تخریب شده و زیر آوار قرار دارد. این فضا اتاقکی به ابعاد حدود پنج متر در سه متر بوده و ضخامت دیوار آن حدود ۹۰ سانتی‌متر است. جویی که آب را به داخل تنوره انتقال می‌داده اکنون حدود ۱۸ متر طول و ۱/۲۰ متر عرض دارد که البته عرض آن در محل ورود به داخل تنوره حدود نیم متر است. قطر بیرونی تنوره ۲/۳۰ متر و قطر درونی آن ۸۰ سانتی‌متر است. مصالح استفاده شده سنگ و ملات ساروج است. این بنا احتمالاً از دوره قاجار تا حدود ۴۰ سال پیش مورد استفاده بوده است. آب مورد نیاز این آسیاب از طریق چشمه‌هایی که در شرق و شمال شرق روستا قرار داشته، تأمین می‌شده است.

آسیاب موسویه نیز دارای یک تنوره و اتاقک سنگ آسیاب است. همچنین جوی آبی که آب را به داخل تنوره هدایت

دهانه به عرض چهار و ارتفاع ۲/۳۰ متر است که دوتا از آن‌ها کاملاً تخریب شده است (تصویر ۹). ضخامت دیواره‌های پل در حال حاضر ۱/۸۰ متر و پهنای خود پل چهار متر است. در ضلع جنوبی پل آثار یک یا دو دهانه دیگر وجود دارد که رسوبات روی آن را کاملاً پوشانده است. با توجه به اینکه احتمال ریزش دیواره‌های رودخانه وجود داشته، در دو انتهای شرقی و غربی پل دو دیوار به طول ۲۰ متر، عرض یک و ارتفاع سه متر وجود دارد که از پیشرفت رسوبات به داخل پل جلوگیری می‌کرده است. خود این دیوارها دارای هشت پشت‌بند به ضخامت یک متر است. در دو طرف دهانه پل آب‌برهایی وجود دارد و درون هر کدام از دهانه‌ها در هر طرف یک پیش‌آمدگی ۳۰ سانتی‌متری دیده می‌شود. مصالح پل لاشه‌سنگ و ملات ساروج است. طول پل در حال حاضر حدود ۵۰ متر است که بخش‌هایی از آن زیر خاک مدفون است. با توجه به ساختار معماری به نظر می‌رسد که این پل متعلق به دوره قاجار است.

دو پل دیگر در نزدیکی امامزاده بی‌بی حور قطب‌آباد شناسایی شد که احتمالاً هر دو آن‌ها مربوط به دوره قاجار یا پهلوی اول هستند. این پل‌ها بر روی آب چشمه بوغن ایجاد شده‌اند. پل بی‌بی حور ۱ به طول ۴۰ و عرض دو متر و ارتفاع ۲/۸۰ متر است. این پل دارای یک دهانه به عرض ۲ و ارتفاع ۱/۵ متر است که با ملات گچ و قلوه‌سنگ ساخته شده است. بر روی این پل آب‌راهی به طول ۴۰ و عرض یک متر قرار دارد که آب را از سمت جنوب به شمال هدایت می‌کرده است. این پل از کف تا بالاترین نقطه، دارای ۱۴ رگ سنگی است که در بین هر رگ یک ملات ۱۰ الی ۱۵ سانتی‌متری به کار رفته است. پل امامزاده بی‌بی حور ۲ به طول ۴۳ متر، عرض ۱/۸۰ متر و ارتفاع ۲/۸۰ متر، دارای یک دهانه به عرض ۲/۲۰ و ارتفاع ۱/۸۰ متر است. مصالح به کار رفته در ساخت بنا سنگ و ساروج است. بر روی پل آب‌راهی وجود دارد که آب را از سمت جنوب به سمت شمال هدایت می‌کرده است. طول این آب‌راه ۴۳ متر و عرض آن ۶۰ سانتی‌متر با دیواره‌هایی به ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر است. کف آب‌راه دارای پنج لایه اندود است که بیانگر مرمت و بازسازی آن در دوره‌های مختلف است. در قسمت جنوبی آب‌راه‌ها احتمالاً به هم وصل بوده و با رسیدن به

عنوان آبراه استفاده شده است. مصالح استفاده شده در بنا سنگ با ملات گچ، آهک و ساروج است. چشمه‌ای دایمی از سمت جنوب این آسیاب جریان دارد که احتمالاً از آن برای آسیاب استفاده می‌شده است.

۱۰-آب‌انبار

در این بررسی چهار عدد آب‌انبار شناسایی شد که دو تا از آن‌ها متعلق به دوره صفوی (آب‌انبار مخک ۱ و ۲) و دو تای دیگر (آب‌انبار حاج زینل و آب‌انبار امامزاده بی‌بی حور) متعلق به دوره قاجار است.

آب‌انبارهای مخک که در نزدیکی کاروانسراهای مخک ۱ و ۲ قرار دارند، در سال ۱۳۸۱ به شماره ۶۷۸۹ در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند. آب‌انبار مخک ۱ به صورت مدور ساخته شده و دارای شش دهانه به ارتفاع ۱/۶۰ و عرض ۱/۲۰ متر است. مصالح آن لاشه‌سنگ و ملات آهک و ساروج است. عمق کنونی بنا حدود هشت متر و ضخامت دیوار آن نیم متر است. سقف بنا به صورت گنبدی بوده که ارتفاع گنبد آن دو متر و دارای راه‌پله‌ای جهت دسترسی به پشت بام است که هفت پله به ارتفاع ۲۰ و عرض ۳۰ سانتی‌متر دارد. جویی جهت هدایت آب به داخل آب‌انبار وجود داشته که به مرور زمان پر شده است. با توجه به ساختار معماری و پلان بنا، این اثر احتمالاً مربوط به دوره صفوی بوده که بعد از تخریب آب‌انبار شماره ۲ ایجاد شده است. آب‌انبار مخک ۲ از لحاظ معماری، اندازه و مصالح کاملاً شبیه آب‌انبار شماره ۱ است که از لحاظ زمانی قدیمی‌تر از آن بوده که به مرور تخریب شده است. این آب‌انبارها آب کاروانسراهای مخک را تأمین می‌کردند.

آب‌انبار حاج زینل در منطقه گلدامچه، در وسط یک دشت قرار گرفته است. کل بنا از لاشه‌سنگ و ملات آهک و ساروج ساخته شده است. این آب‌انبار سه دهانه به عرض یک و ارتفاع ۱/۵ متر دارد و ارتفاع بنا تا نوک گنبد حدود پنج متر است. محفظه داخلی آب‌انبار به صورت مدور و به قطر هفت متر است. عمق آن در حال حاضر ۲/۵ متر بوده که بر روی محفظه داخلی دیوار مدور یک متری قرار گرفته و سپس گنبد بر روی این دیوار ایجاد شده است. دو دریچه به اندازه ۵۰×۵۰ سانتی‌متر در

می‌کرده، باقی مانده است. حدود ۳۰ متر از این جوی (از سمت تنوره) با سنگ و ساروج ساخته شده و ادامه آن به صورت نهر خاکی است. عرض جوی یک و نیم متر و ارتفاع آن بین ۶۰ سانتی‌متر تا چهار متر متغیر است. پیش از ساخت بنا حدود پنج متر مربع زیر بنا با سنگ و گچ کف‌سازی شده بوده است. تنوره آسیاب حدود پنج و نیم متر ارتفاع دارد که قطر بیرون آن ۳/۸۰ و قطر درون آن دو متر است. عرض دهانه‌ای که آب به آن انتقال داده می‌شده ۷۰ سانتی‌متر و قطر دهانه آن ۹۰ سانتی‌متر است. اندازه اتاقک سنگ آسیاب ۴×۵/۵ متر است که بخش‌های زیادی از آن تخریب شده است. آب آسیاب از چشمه بوغن تأمین می‌شده است. با توجه به ساختار معماری بنا، به نظر می‌رسد این اثر متعلق به دوره قاجار باشد.

آسیاب قطب‌آباد یکی از سالم‌ترین آسیاب‌های موجود در بخش کردیان است. پس از ورودی بنا اتاقی چندضلعی با مصالح خشت قرار دارد که سقف گنبدی آن کاملاً فرو ریخته است. در سمت چپ اتاق دو ورودی قرار دارند که به فضای اصلی آسیاب می‌رسند. در این قسمت فضایی مستطیل شکل وجود دارد که به دو قسمت تقسیم شده است. در بدنه سمت راست این فضا بخشی قیفی شکل به چشم می‌خورد که احتمالاً گندم در آن ریخته می‌شده و فضای دوم نیز برای آرد بوده که سقف آن مسطح و با گچ اندود شده است. پشت این فضا تنوره آسیاب قرار گرفته که قطر دهانه آن دو متر و عمق آن حدود سه متر است. مصالح به کار رفته در این بنا لاشه‌سنگ با ملات گچ و ساروج است. جویی که آب را به تنوره انتقال می‌دهد نیم متر عرض دارد و درون آن با ساروج اندود شده است. آب آسیاب قطب‌آباد نیز از طریق چشمه بوغن تأمین می‌شده است.

آسیاب دیگر چنار سوخته نام دارد که به شدت تخریب شده و فقط قسمتی از تنوره آن باقی است. قطر دهانه داخلی و خارجی تنوره به ترتیب ۹۰ سانتی‌متر و ۱/۸۰ متر است. ارتفاع تنوره از بیرون پنج متر است اما داخل آن پر شده و حدود ۲/۵ متر از عمق آن مشخص است. طول کنونی آبراه آن حدود ۵۰ متر است که عرض آن با دیواره یک متر است. عرض خود آبراه ۶۰ سانتی‌متر و هر کدام از دیواره‌های آن نیز ۲۰ سانتی‌متر است. در بعضی از قسمت‌ها از صخره‌های طبیعی به

تخته‌سنگ‌ها تراشیده شده و از نظم زیادی برخوردار نیستند و عرض آن‌ها حدود دو متر است. تاریخ این مسیر مشخص نیست ولی احتمالاً در دوره اسلامی، به ویژه دوره صفوی، مورد استفاده بوده است.

بحث

بخش کردیان در یک منطقه گرمسیری قرار دارد که هیچ‌گونه رودخانه دائمی در آن جریان ندارد. دما در فصل تابستان به بالای ۴۰ درجه سانتیگراد می‌رسد که گرمای آن طاقت‌فرساست. به جز منطقه گلدامچه و تا حدودی باباعرب، دیگر مناطق آن از زمین‌های مرغوبی برای کشاورزی برخوردار نیستند. با این حال چندین رودخانه فصلی در منطقه جریان داشته که وجود پل‌هایی بر روی آن‌ها بیانگر جاری بودن آن‌ها در فصلی (بهار و شاید تابستان) از سال بوده است. از دوره پیش‌تاریخ فقط دو غار از منطقه گلدامچه شناسایی شد ولی هیچ‌گونه تپه مربوط به این دوره در بررسی یافت نشد؛ شاید دلیل این امر عدم وجود رودخانه دائمی، آب هوای تقریباً خشک و زمین‌های نامرغوب کشاورزی بوده است. اولین استقرارهای گسترده در منطقه، در دوره ساسانی شکل گرفت که دلیل این امر نیز کنترل منابع آب از طریق ایجاد بند و رونق تجارت از طریق جنوب بوده است. در این دوره نظام اداری کارآمد با برنامه‌ریزی‌های توانمند، نوآوری‌های زیادی در زمینه فناوری آبیاری ایجاد کرد (Adams, 1962). یکی از این نوآوری‌ها، ایجاد بند بر روی رودخانه‌های دائمی و فصلی بود که امکان کنترل و استفاده آب به منظور فعالیت‌های کشاورزی را فراهم آورد. یکی از این بندها به طول تقریبی ۲۵۰ متر در نزدیکی روستای بند و بست و دیگری در منطقه گلدامچه قرار دارد. این نظام کنترل آب در دوره ساسانی باعث شد که استقرارهایی در بخش‌های مختلف منطقه شکل بگیرد؛ وجود قلعه‌های مختلف تاریخی بر روی ارتفاعات و استقرارهای پراکنده در درون دشت بیانگر این امر است. با توجه به وسعت کم محوطه‌ها و نوع پراکنش آن‌ها، به نظر می‌رسد جوامع این دوره بیش‌تر روستائینانی با اقتصاد معیشتی متکی بر کشاورزی و دامپروری بوده‌اند. از دوره اسلامی نیز استقرارها و آثار

شمال و جنوب آب‌انبار وجود دارد که برای ورود آب به داخل محفظه بوده است. با توجه به ویژگی‌های معماری بنا، این آب‌انبار احتمالاً متعلق به دوره قاجار است.

آب‌انبار بی‌بی حور به صورت مدور به قطر ۱۶ متر، در شمال قبرستان و امامزاده بی‌بی حور قرار دارد که از طریق جمع‌آوری آب‌های سطحی فصلی و چشمه بوغن تغذیه می‌شده است. آب‌راه منتهی به آب‌انبار ۱/۱۰ متر عرض داشته و ارتفاع دیواره‌های آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر است. پاشیر به عرض یک و طول سه متر در قسمت شمالی آب‌انبار قرار دارد. دیواره‌های دور تا دور آب‌انبار از سنگ و ملات ساروج به ضخامت ۶۰ سانتی‌متر است. در ضلع غرب آن یک خروجی به طول دو و عرض یک متر برای تخلیه آب‌های اضافی وجود دارد. در قسمت شمال غرب آب‌انبار پله‌هایی وجود دارد که احتمالاً برای ورود و خروج به آب‌انبار، جهت برداشت آب و همچنین پاک‌سازی بوده‌اند. بخش‌هایی از داخل آب‌انبار پر شده ولی عمق کنونی آن بین سه تا شش متر متغیر است. این آب‌انبار از ساخته‌های دوره قاجار است.

۱۲- راه باستانی فسا - جهرم

همانطور که ذکر شد، جهرم در منطقه‌ای قرار داشته که مسیر کاروان‌های تجاری متعددی در دوره اسلامی بوده است. مسیری که از منطقه جهرم عبور می‌کرده در نهایت به بندر عباس که از بنادر مهم تجاری دوره اسلامی بوده، ختم می‌شده است. یکی از این مسیرها در منطقه خانه‌نهر بخش کردیان قرار دارد که منطقه فسا را به جهرم متصل می‌کرده است. این مسیر از تنگ پاغازی در منطقه خانه‌نهر شروع شده و تا منطقه بیدزرد و روستای دستجه در فسا ادامه داشته است. این مسیر که احتمالاً مسیر کاروان‌های تجاری بوده در بیش‌تر جاها با استفاده از قلوه‌سنگ فرش شده که در بعضی جاها تخریب شده است. یکی از آثار جالب در طول این مسیر وجود تعداد ۳۰ پله در یک سرایشی است (تصویر ۱۰ و تصویر رنگی ۱۰). با توجه به اینکه تخته‌سنگ‌های این بخش بسیار شیب‌دار و لغزنده‌اند و در کنار یک پرتگاه قرار دارند، با استفاده از این پله‌های سنگی توانسته‌اند عبور را آسان کنند. این پله‌های سنگی از خود

شامل دو غار، سه برج دیده‌بانی، نُه قلعه، یک چهارطاقی، پنج کاروانسرا، هفت تپه، هفت بند و پل، پنج آسیاب، پنج گورستان، شش برج مراقبت، چهار آب‌انبار، دو امامزاده و یک راه باستانی بود. هیچ‌گونه تپه از دوره پیش‌تاریخ شناسایی نشد. با این حال یک غار از منطقه گلدامچه شناسایی شد که دارای نقاشی‌های فراوان به رنگ قرمز بود. همه محوطه‌ها و آثار یافت شده مربوط به دوره ساسانی و اسلامی‌اند. به نظر می‌رسد در دوره ساسانی با ایجاد بند و بست بر روی رودخانه‌های فصلی توانسته‌اند آب را کنترل نموده و زمین‌های زیادی را زیر کشت ببرند که همین امر منجر به پراکنش محوطه‌های مختلف این دوره در سطح دشت گردیده است. همچنین به نظر می‌رسد در این دوره تجارت از طریق بنادر جنوبی از اهمیت زیادی برخوردار بوده که وجود قلاع و برج‌های دیده‌بانی فراوان در طول مسیری که به سمت جنوب ادامه دارد، بیانگر این امر است. تپه‌های شناسایی شده از دوره اسلامی بسیار پراکنده‌اند. به نظر می‌رسد در این دوره با استفاده از قنات‌ها توانسته‌اند آب را از کوه‌پایه‌های اطراف به دشت انتقال داده و از آن برای کشاورزی و باغداری استفاده نمایند. در دوره صفوی و با رونق گرفتن تجارت و ارتباط با اروپاییان از طریق بندر گمبرون (بندر عباس) این منطقه از پویایی قابل توجهی برخوردار بوده است. وجود پنج کاروانسرا در مسیرهای کاروان‌رویی که از این منطقه عبور می‌کرده، نشان دهنده پویایی این مسیر بوده است. از دوره قاجار و پهلوی اول نیز تعداد زیادی برج مراقبت شناسایی شده که بیانگر اهمیت این مسیر در این دوران بوده است.

پراکنده معدودی شناسایی شد. استقرارهای دروه اسلامی (به ویژه قرن هشت تا یازده هجری) در مناطقی پراکنده‌اند که از خاک مناسب و منابع آب بهتری برای کشاورزی برخوردارند. به نظر می‌رسد آب مورد نیاز کشاورزی در این دوره از طریق چشمه‌های اطراف و قنات‌ها تأمین می‌شده است؛ شیوه‌ای که تا چندی پیش در منطقه رواج داشته و بدلیل خشکسالی‌های اخیر جای خود را به چاه‌های عمیق داده است. بخش کردیان در منطقه‌ای بین فسا - جهرم و شیراز - جهرم قرار دارد که همیشه گذرگاه کاروان‌های متعدد بوده است. با توجه به وجود تعداد زیادی کاروانسرای صفوی در طول این مسیر، به نظر می‌رسد این منطقه در دوره صفوی و با رونق گرفتن بندر عباس و ارتباط دریایی با اروپا از پویایی قابل توجهی برخوردار بوده است. جهانگردان اروپایی زیادی در دوره صفوی از این مسیر عبور کرده و از آن یاد می‌کنند که از آن جمله شاردن (۱۳۳۶)، فیگوئرا (۱۳۶۳) و کارری (۱۳۴۸) است. از دوره‌های متأخر (قاجاری و پهلوی) چندین برج مراقبت شناسایی شد که نشان می‌دهد این مسیر همچنان از اهمیت بالایی در تجارت برخوردار بوده است.

جمع‌بندی و برآیند

بررسی باستان‌شناختی بخش کردیان جهرم در تابستان سال ۱۳۹۳ انجام شد که در نهایت منجر به شناسایی ۵۷ اثر و محوطه از دوره‌های مختلف گردید. آثار و محوطه‌های شناسایی شده

منابع

(الف) فارسی

امیری، مصیب، ۱۳۹۱، بررسی و مطالعه سفال دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی محوطه‌های تاریخی استخر، شهر گور، بیشاپور، سرمشهد و دارابگرد)، پایان‌نامه دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

سیرو، ماکسیم، ۱۹۴۹، کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ترجمه عیسی بهنام، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

شاردن، ژان، ۱۳۳۶، سیاحت‌نامه شاردن، جلد‌های سوم و چهارم، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

اطهری، علی، ۱۳۹۱، زیباشهر فارس، جهرم، جهرم: انتشارات بونیز.

کرمی، ناصر، ۱۳۸۱، جهرم، جلد اول: طبیعی، انسانی و اقتصادی، جهرم: انتشارات شهید مصلی نژاد.

گزارش جامع بخش‌داری کردیان، ۱۳۹۱، (منتشر نشده).

لطفی‌نسب، کمال، ۱۳۹۴، گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش کردیان جهرم، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس (منتشر نشده).

هورشید، شقایق، ۱۳۸۵، گزارش بررسی محوطه‌های فرایارینه‌سنگی در شهرستان‌های جهرم، فیروزآباد و سروستان، مرکز اسناد پژوهش‌گده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

Adams, R. McC., 1962, "Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran", *Science*, Vol. 136, No. 3511, pp. 109-122.

Azarnoush, M., 1994, *The Sasanian manor house at Hajiabaf, Iran*, Firenze: Casa Editrice Le Lettere.

Fazel, L. & Alibaigi, S., 2012, "Discovery of Cave Art in the Province of Fars, Southern Iran", *Rock Art*, Vol. 29, No. 2, pp. 187-190.

Kennet, D., 2002, "Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia", *IRAN*, Vol. XC, pp. 153-162.

—————, 2004, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah, Classification, Chronology and Analysis of Trade in the Western Indian Ocean*, Oxford: Archaeopress.

فاضل، لیلا، ۱۳۸۹، «تنگ تادوان و تنگ تیهویی، نویافته‌ای از هنر صخره‌ای در استان فارس»، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، صص ۶۹-۷۸.

فیگوئرا، دن گارسیا دوسیلوا، ۱۳۶۳، *سفرنامه دن گارسیا دوسیلوا* فیگوئرا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

کارری، جملی، ۱۳۴۸، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کاررنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

(ب) غیرفارسی

Piperno, M., 1972, "Jahrom a Middle Paleolithic Site in Fars, Iran", *East and West*, Vol. 22, Nos. 3 & 4, pp. 188-97.

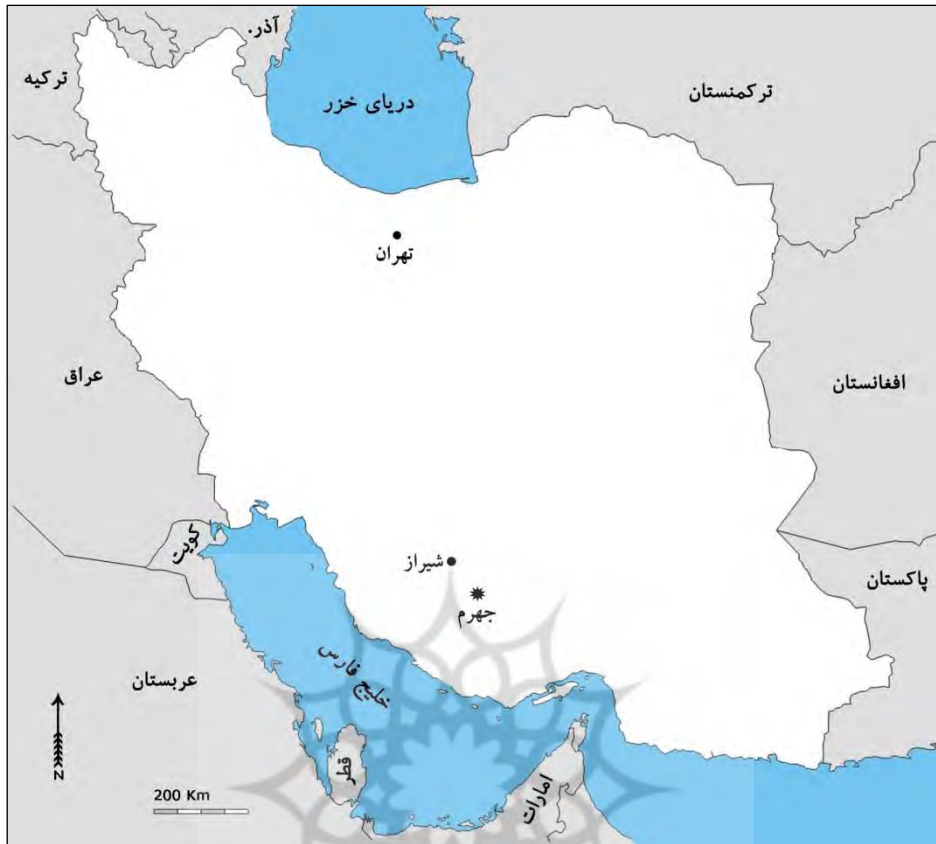
Stein, A., 1936, "An Archaeological Tour in Ancient Persis, Chapter 1 (From Shiraz to Jahrom)", *IRAQ*, Vol. 3, pp. 111-225.

Vanden Bergh, L., 1961, "Récentes Découvertes de Mounuments Sassanides Dans le Fárs", *Iranica Antiqua*, Vol. 1, pp. 163-199.

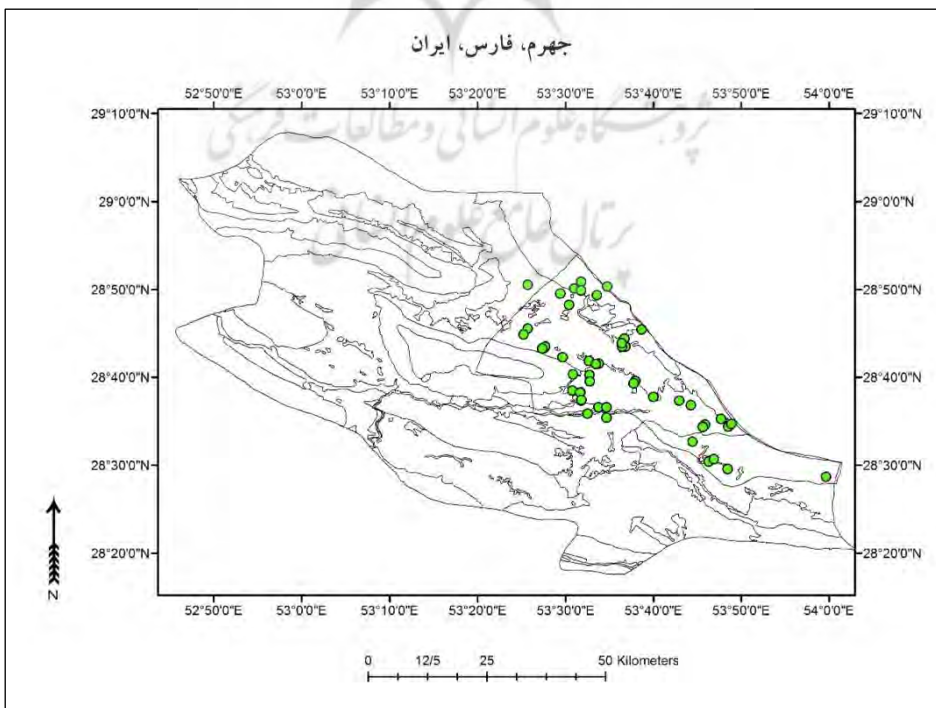
Whitcomb, D., 1979, "The City of Istakhr and the Marvdasht Plain", *Proceedings of Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie*, München, 7-10 Sept. 1976, AMI, Vol. 6, 363-370.

Whitehouse, D., 2009, *Siraf: history, topography and environment*, Oxbow Books.

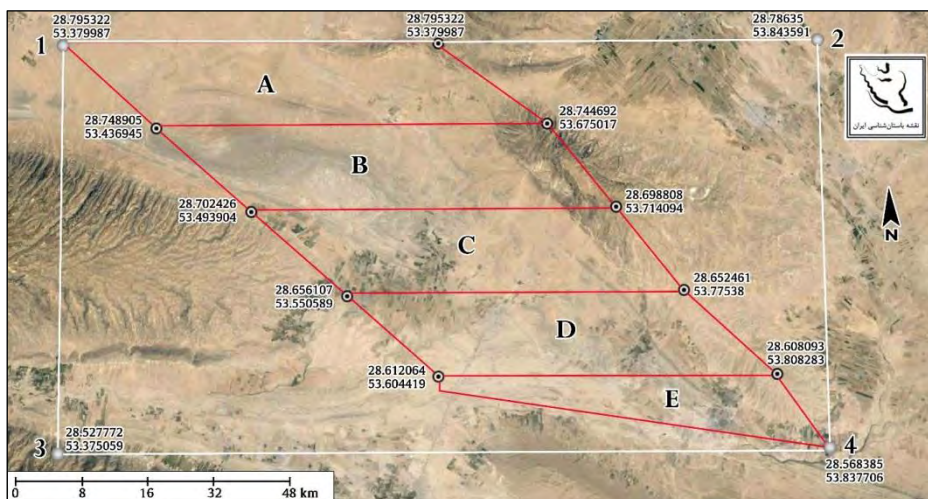
نقشه‌ها و تصاویر



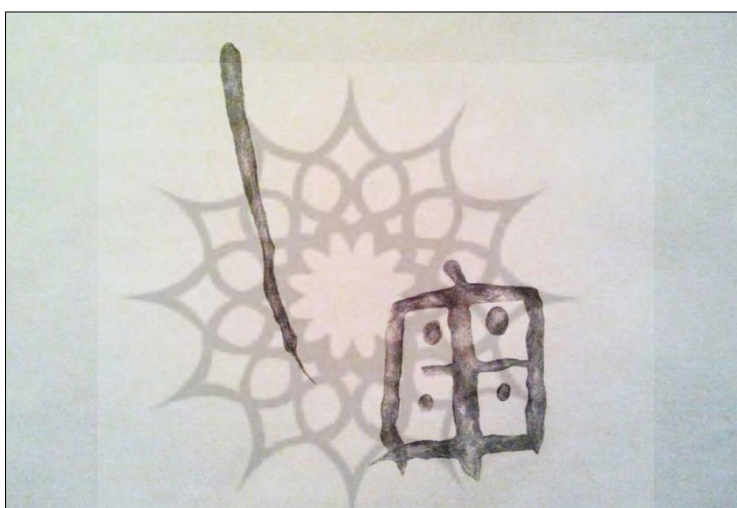
نقشه ۱: موقعیت شهرستان جهرم بر روی نقشه ایران و فارس



نقشه ۲: پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در بخش کردیان



تصویر ۱: شبکه بندی بررسی باستان‌شناختی بخش کردیان بر اساس چهارچوب نقشه باستان‌شناسی کشور



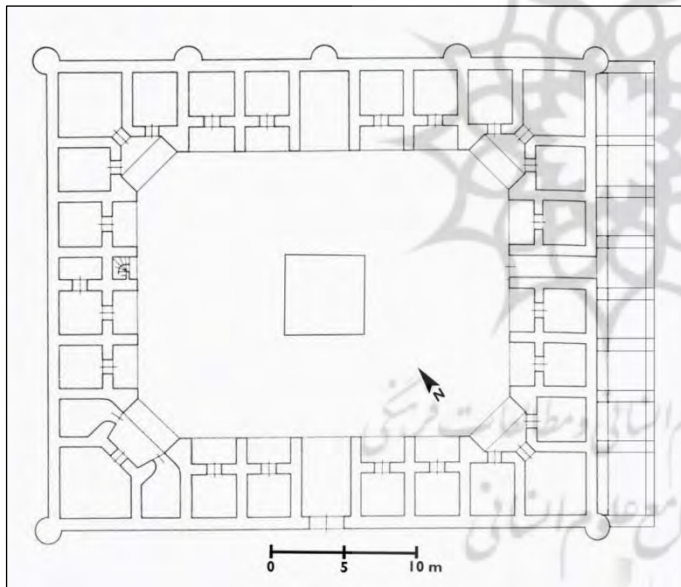
طرح ۱: نقاشی دیواره غار گلدامچه ۲ (بدون مقیاس)



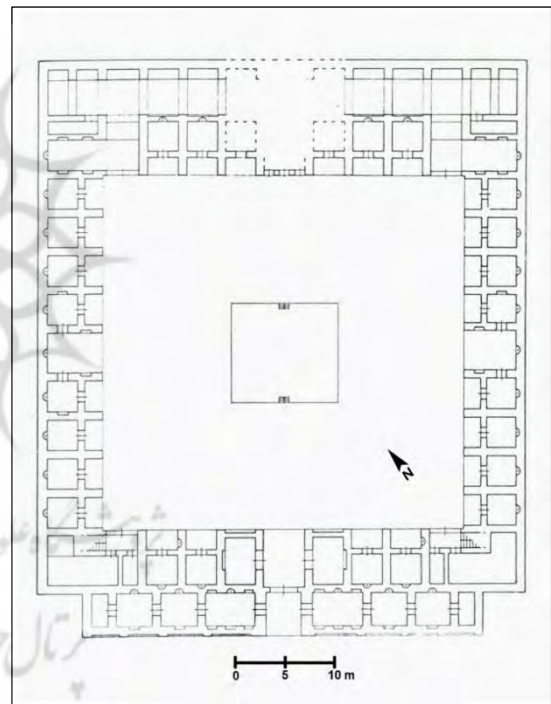
تصویر ۲: قلعه گبری، نمای کلی، دید از جنوب



تصویر ۳: چهارطاقی باباعرب (دید از شرق)



تصویر ۵: کاروانسرای مخک ۲، پلان بنا
(اداره کل میراث فرهنگی استان فارس)



تصویر ۴: کاروانسرای مخک ۱، پلان بنا
(اداره کل میراث فرهنگی استان فارس)



تصویر ۷: گورستان خانه‌نهر، سنگ قبر با نقش سوار



تصویر ۶: گورستان کوچ‌نشینی خانه‌نهر، ساختار سنگ‌چین گورها



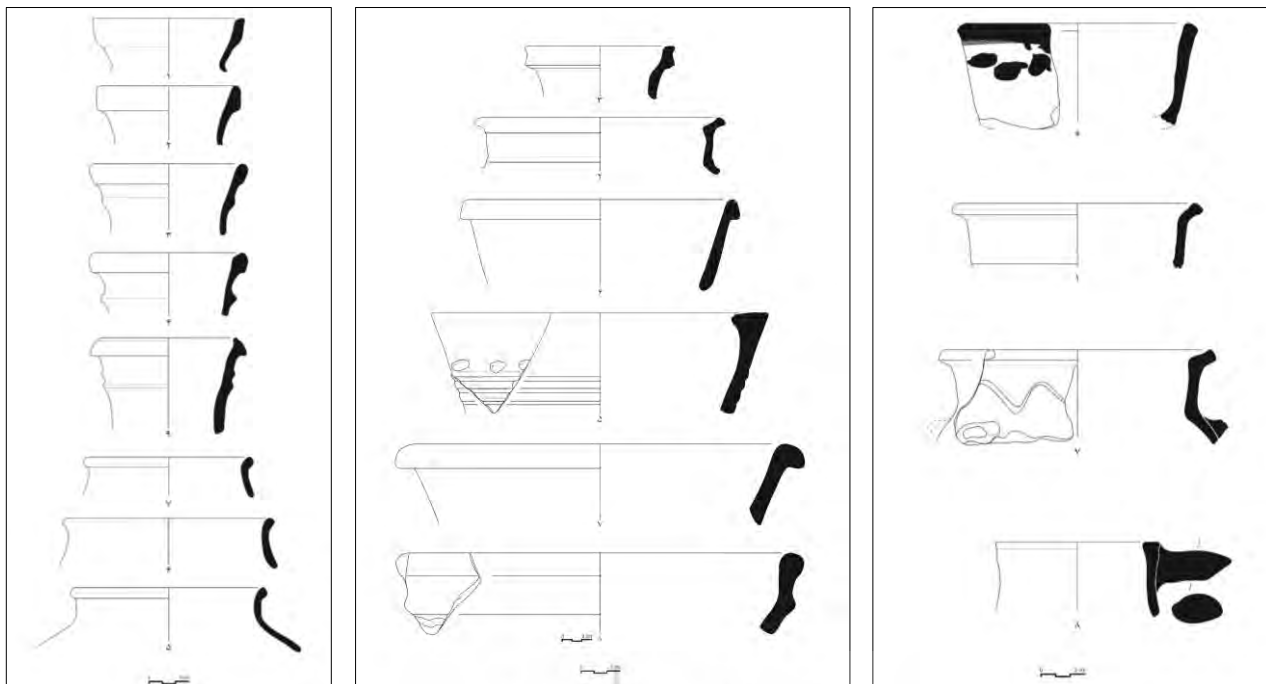
تصویر ۹: پل رشه، دید از شمال شرق



تصویر ۸: بند و بست ۱، نمای کلی (دید از جنوب شرق)



تصویر ۱۰: مسیر باستانی فسا - جهرم، بخش پلکانی



طرح ۴: سفال‌های قلعه پر رودخانه شور

طرح ۳: سفال‌های قلعه بازون

طرح ۲: سفال‌های شاخص قلعه گبری

جدول ۱: مشخصات سفال‌های قلعه گبری خانه‌نهر

شماره سفال	نوع قطعه	رنگ خمیره	آمیزه	کیفیت پخت	نوع نقش	محل	قابل مقایسه با
۱	۲۰۶.۱	لبه ۳. نارنجی	۴. کانی	۵. کافی	۶. نوارپهن قرمز روی لبه و سه قطره دایره‌ای شکل ۷. لبه و بدنه ۸. قرمز ۹. چرخ‌ساز ۱۰. (قرمز گلی غلیظ، نخودی گلی رقیق)	۱۱. متوسط ۱۲. اشکانی/ساسانی	Whitehouse, 2009: Fig. 75: s & t Azarnoush, 1994: Fig. 163: c
۲	۲۰۱.۱	لبه ۳. خاکستری	۴. کانی	۵. کافی	۶. دو خط موازی افقی برجسته ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (خاکستری رقیق، خاکستری رقیق)	۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	Whitehouse, 2009: Fig. 76: ii
۳	۲۰۷.۱	لبه و دسته ۳. خاکستری	۴. کانی	۵. کافی	۶. نقش موجی شکل و مورب ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (خاکستری رقیق، خاکستری رقیق)	۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	Whitehouse, 2009: Fig. 76: ii
۴	۲۰۸.۱	لبه و دسته ۳. نخودی	۴. کانی	۵. کافی	۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی رقیق، نخودی رقیق)	۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	

جدول ۲: مشخصات سفال‌های قلعه بازون

شماره سفال	نوع قطعه	رنگ خمیره	آمیزه	کیفیت پخت	نوع نقش	محل	قابل مقایسه با
۱	۲۰۳.۱	لبه ۳. نخودی	۴. کانی	۵. کافی	۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق)	۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	Whitehouse, 2009: Fig. 76: b
۲	۲۰۲.۱	لبه ۳. نارنجی	۴. کانی و آلی	۵. کافی	۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (دست مرطوب، نارنجی گلی غلیظ)	۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	Azarnoush, 1994: Fig. 174: p DR 4: ۴-۳۶. ش. ۱۳۹۱: امیری،
۳	۲۰۶.۱	لبه ۳. نارنجی	۴. کانی و آلی	۵. کافی	۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (دست مرطوب، نارنجی گلی رقیق)	۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	DR 9: ۴-۳۶. ش. ۱۳۹۱: امیری،
۴	۲۰۵.۱	لبه ۳. خاکستری	۴. کانی و آلی	۵. کافی	۶. یک ردیف نقش ناخنی و سه ردیف نقش کنده افقی زیر آن ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (خاکستری رقیق، خاکستری رقیق)	۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	
۵	۲۰۷.۱	لبه ۳. نارنجی	۴. کانی و آلی	۵. کافی	۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نارنجی نخودی رقیق، نارنجی)		Azarnoush, 1994: Fig. 182: a &

b Whitcomb 1985: Fig. 52: j1 FI14: ۴-۴۶. ش. ۱۳۹۱: امیری،	نخودی دقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	
	۹-۸-۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۶

جدول ۳: مشخصات سفال‌های قلعه پر رودخانه شور

قابل مقایسه با	شماره سفال ۲. نوع قطعه ۳. رنگ خمیره ۴. آمیزه ۵. کیفیت پخت ۶. نوع نقش ۷. محل نقش ۸. رنگ نقش ۹. تکنیک ساخت ۱۰. پوشش (درونی. بیرونی) ۱۱. کیفیت ساخت ۱۲. دوره	ردیف
Whitehouse, 2009: Fig. 76: b, bb Kennet, 2002: Fig. 3	۱. ۲۰۱. لبه ۳. خاکستری ۴. کانی ۵. کافی ۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۱
Kennet, 2002: Fig. 3	۱. ۲۰۲. لبه ۳. نارنجی ۴. کانی ۵. کافی ۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۲
Kennet, 2002: Fig. 3	۱. ۲۰۶. لبه ۳. نارنجی ۴. کانی ۵. کافی ۶. یک نوار برجسته ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۳
Kennet, 2002: Fig. 3	۱. ۲۰۴. لبه ۳. نارنجی ۴. کانی و آلی ۵. کافی ۶. یک نوار برجسته ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (نخودی گلی رقیق، نخودی گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۴
Whitehouse, 2009: Fig. 75: mm Kennet, 2002: Fig. 3	۱. ۲۰۹. لبه ۳. خاکستری ۴. کانی و آلی ۵. کافی ۶. دو نوار برجسته ۷. زیر لبه ۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (لعب رقیق سبزرنگ روشن، لعب رقیق سبزرنگ روشن) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۵
	۱. ۲۰۷. لبه ۳. خاکستری ۴. کانی ۵. کافی ۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (خاکستری گلی رقیق، خاکستری گلی رقیق) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۶
Azarnoush, 1994: Fig. 174: K	۱. ۲۰۶. لبه ۳. خاکستری ۴. کانی ۵. کافی ۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (لعب رقیق خاکستری، لعب رقیق خاکستری) ۱۱. ظریف ۱۲. ساسانی	۷
	۱. ۲۰۵. لبه ۳. خاکستری ۴. کانی ۵. کافی ۶. ۷-۸-۹. چرخ‌ساز ۱۰. (خاکستری گلی رقیق، خاکستری گلی رقیق) ۱۱. متوسط ۱۲. ساسانی	۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی